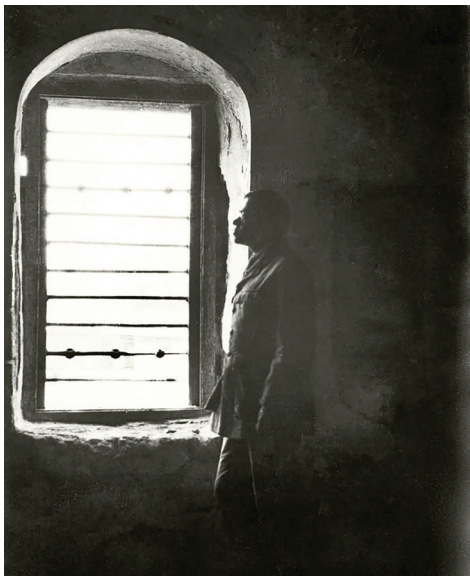




ژابوتینسکی در زندان عکا

مجسمه او در موزه دیاسپورا تل آویو

جنبش و گروه نظامی بیتار

میراث

ژابوتینسکی



محمد وحیدی

در این مقاله، دکتین نظامی سفت و سختی، مبتنی بر اقدامات امنیتی را پیشنهاد می‌کند که اعراب (و حتی دنیا علی‌الخصوص بریتانیا) باید به این دیوار آهنین برخورد کنند تا چیزی نتواند سر راه مهاجرت یهودیان و زیست در سرزمین مقدس قرار گیرد. اینجا بود که اولین گروه تروریستی سازمان یافته عبری، البته با پوششی علمی و ایدئولوگ شکل گرفت.

بیتار (بیطر)

۲۷ دسامبر ۱۹۲۳ تحت هدایت و نفوذ ژابوتینسکی، گروه بیتار (بیطر) یا همان جنبش اتحاد جوانان یهودی، که الهام گرفته از اسم یوسف ترومپلدور و همچنین شهر باستانی بیتار در دوران باستان تاریخ یهودیت است، تأسیس شد. این اسم پیشنهاد ژابوتینسکی بود و خود نیز لقب «سربیتار» را برای خود برگزید. گروه بتار در اروپا و مخصوصاً لهستان هم فعالیت می‌کرد و مرکز فعال داشت. یکی از اهداف این گروه، دفاع از چهره یهودیان دیاسپورا در جهان بود. این جنبش در ابتدا با ۱۶۵۰ عضو در پانزده کشور شروع به فعالیت و آموزش نظامی کرد که اغلب توسط دوستان ژابوتینسکی و البته مخفیانه، در کرن هاپسود (صندوق ملی یهودیان) تأمین مالی می‌شد. اما با شروع مهاجرت غیرقانونی به فلسطین، تعداد اعضای جنبش به میزان قابل توجهی افزایش یافت. سال ۱۹۳۴ ژابوتینسکی، نقشه راه یا همان سند راه جنبش را منتشر کرد که ایده تشکیل گروه‌های شبه نظامی عبری بعدی مشتق شده از بیتار از همین سند گرفته شده. در بخش ابتدایی این سند اینگونه آمده: «نقش هر بتر بسیار ساده و در عین حال دشوار است. آن هم ایجاد نوعی زیست یهودی در امنیت و آرامش برای مهاجران که منجر به ایجاد سریعتر و کاملتر دولت یهودی شود که ما به آن نیاز داریم. به عبارت دیگر، ایجاد شهروندی عادی و سالم برای ملت یهود در کنار هم و در واقع، دشواری بزرگی در این امر نهفته است: زیرا یهودیان امروزی عادی و سالم نیستند، و زندگی تبعیدی در تمام ابعادش ما را از تربیت شهروندان سالم و عادی باز می‌دارد. در طول دو هزار سال تبعید، قوم یهود از تمرکز اراده جمعی خود در یک سرزمین با حاکمیتی یهودی دست برداشته است. ما از این عمل به عنوان یک ملت یکپارچه، در طول تاریخ دست کشیده و از ایستادن با سلاح خودداری کرده‌ایم.»

در بخش دیگر که به عهد بتاری معروف است و هر فرد باید آن را بخواند و عهد ببندد آمده: «این نشان بیتار با الهام از آیه‌ای از اسفار نذر الهام گرفته شده است: من در روز عبادت مانند میله‌ای از مس هستم، مانند قطعه‌ای از آهن در دست آهنگری که نامش صهیون است. مرا هر طور می‌خواهی داغ کن؛ یا داس، چرخ آسیاب، یا شمشیر و خنجر. اول آن که من زندگی خود را وقف احیای دولت عبری با اکثریت ساکنان عبری در هر دو ساحل رود اردن، شرق و غرب می‌کنم. من منافع خودم، منافع خانواده‌ام، منافع موقعیتم را فدای دولت سازی خواهم کرد. سوم زبان عبری زبان من و فرزندانم خواهد بود، چه در سرزمین و چه در دیاسپورا. بازاری خود را برای دفاع از مردم و فتح وطنم آماده خواهم کرد. زیرا من پسر پادشاهان هستم و به سمت استخدام بتاری، چه برای لژیون و چه برای کار، به صهیون و ایده آن خدمت خواهم کرد.»

از این گروه بعداً افرادی جدا شده و گروه‌های افراطی‌تری مثل هاگانا و ایرگون را با فعالیت‌های تروریستی شکل دادند که در شماره‌های آینده به آن‌ها خواهیم پرداخت. گروه‌های تروریستی‌ای که هرآنچه از شایاک، موساد و ارتش رژیم اسرائیل می‌بینید، روی تجربه‌های ترور و اقدامات این گروه‌ها شکل گرفته و به اینجا رسیده است.

همچنین به عنوان فرمانده اولین نیروی دفاعی عبری، این امر را کافی نمی‌دانست، بلکه خواستار ایجاد نیرویی دائمی و قابل مشاهده نظام مند برای دفاع از ایده صهیونیسم بود. زمانی که هم به صندوق ملی و شورای رهبری سازمان صهیونیسم رفت، دست از تلاش برای نشان دادن ناراضی‌هایش برنداشت. در همین دوران بود که نیروهای تحت امر باقی مانده از آن شورش‌های قبل از دستگیری، شروع به کارشکنی در امور مهاجرت کردند. افرادی را بیشتر حد مجازی که بریتانیا تعیین کرده بود، قاچاقی به فلسطین می‌آوردند. یا در همان اروپا تعلیم می‌دادند و تسلیح می‌کردند و به دفاع از گتوها در برابر ضد یهودیان اروپایی می‌پرداختند یا به خانه‌های اعراب دستگیر شده و مهاجرت کرده رفته و اعضای خانواده‌هایشان را آنجا بیرون می‌کردند. این اقدامات باعث شد تا بریتانیا و سایر یهودیان که بیشتر از جامعه یهودیان ساکن فلسطین بودند، طرح ایجاد نیروهای نظامی اعراب - یهودی را بدهند تا با یهودیان افراطی و کارشکنی‌ها مقابله کنند که ژابوتینسکی به انجمنی در مخالفت با این کار پیوست و حتی با بریتانیایی‌ها وارد زد و خورد کوتاهی می‌شد. هرچه به سال‌های جنگ جهانی نزدیک می‌شدیم، وضعیت یهودیان در اروپا و حتی روسیه بدتر می‌شد. گزارش‌های زیادی از آزار و اذیت و ربایش یهودیان به گوش می‌رسید که تمام این‌ها در مقالات ژابوتینسکی مشخص بود که روی افکارش تأثیر گذاشته. ژابوتینسکی از وضع یهودیان ناراضی بود، از سمت عقیده داشت که بریتانیا، دولت نظامی آلتبی و اعضای سازمان جهانی صهیونیسم دست روی دست گذاشته و کاری نمی‌کنند. از طرفی افراطی‌گری‌های نیروهای تحت امر ژابوتینسکی، باعث شد تا دودستگی در شورای رهبری سازمان صهیونیسم به وجود بیاید. اینجا بود که ژابوتینسکی از عضویت سازمان استعفا داد و سراغ ایده‌ای که در زندان به آن فکر کرده بود رفت. ژابوتینسکی مقاله‌ای نوشت تحت عنوان «درباره دیوار آهنی (ما و اعراب)». او در این مقاله نوشته بود که اعراب فلسطین یک ملت زنده هستند و هیچ چیزی آن‌ها را به تعامل با ما یا ترک سرزمینشان سوق نخواهد داد. ما راهی جز ایجاد یک دیوار آهنین بین خود و آن‌ها نداریم. دیوارشکنی کبیوتص‌ها و حتی سیستم‌های امنیتی و دفاعی رژیم در بعد تشکیل قدرت از همین مقاله نشئت گرفته است. ژابوتینسکی صراحتاً

راز عجیب بودن، تاب‌آوری و نهادسازی یهودیان و بالاخص صهیونیست‌ها را باید در کبیوتص‌ها جست‌وجو کرد. کبیوتص و ساختار آن، شاید در ظاهر و کارکرد، خیلی شبیه آن چیزی باشد که انگلس و مارکس در مورد کمون ثانویه تخیل می‌کردند؛ اما در بنیاد تفاوت‌هایی دارند. از یهودی بودن مارکس و انگلس که بگذریم، خیلی از متفکران یهودی هم به تفکر سوسیالیستی و مارکسیستی گرایش داشتند و به خصوص آن دسته از یهودیان سکولار که در گتوهای اروپایی بزرگ شده بودند. ژابوتینسکی هم با این که گرایش‌های چپ داشت اما در یکی از سخنرانی‌هایش تفکرات سوسیالیستی را برای یهودیان کامل و جامع نمی‌دانست و می‌گفت که از مفاهیم صهیونیسم ما را دور خواهد کرد. انگار که ایده صهیونیسم از منظر ژابوتینسکی نسخه‌ای کامل‌تر و جامع‌تر از کمون ثانویه و یک جامعه آرمانی برابر برای یهودیان است. فقط از دید او یک چیزی کم دارد: نهادهای نظامی و امنیتی برای تحقق آرمان‌های صهیونیسم.

کمدی الهی و ایده جنبش ایدئولوژیک نظامی

ژابوتینسکی برای محقق کردن اندیشه‌اش موانع و چالش‌هایی داشت. او از همان ابتدایی که آژانس یهود هنوز شکل نگرفته بود، با دولت قیمومیت بریتانیا در فلسطین درگیر بود. از دید او بریتانیا سیاست‌هایی ضد صهیونیستی و یهودستیزانه داشت. حتی معتقد بود که دست اعراب را برای شورش و حمله به یهودیان باز می‌گذارند. حوالی ۱۹۲۰ بود که پیش‌بینی کرد اعراب در آستانه جشن موسی دست به شورش‌هایی خواهند زد. برای همین اعضای گردان عبری‌ای را که تأسیس کرده بود، مخص کرد و با ششصد نفر از جوانان اورشلیم که آن‌ها را آموزش داده و سازماندهی کرده بود، وظیفه شناسایی و کنترل اعراب و حفاظت از کبیوتص‌ها را بر عهده گرفتند. افکار او به سمت خشونت بیشتر گرایش پیدا می‌کرد و حتی پیشنهاد ادغام نیروهایش در پلیس اورشلیم را هم داد. در اولین روز عید فصح، حمله پیشگیرانه یهودیان به اعراب فلسطین شروع شد. نیروهای دولت قیمومیت بریتانیا، نوزده نفر را به همراه ژابوتینسکی، به جرم غارت اموال، بی‌نظمی و تجاوز به عنف دستگیر کردند. اختلاف یهودیان مذهبی ساکن اورشلیم، با طیفی از یهودیان صهیونیست سکولار از همین جاشروع شد. اختلافی که بعدها ریشه دواند و تا اختلاف با سایر اعضا مجمع جهانی صهیونیسم و آژانس یهود رسید. اختلافی که تقریباً تا همین الان در اعضای کنست هم قابل مشاهده است. خاخام‌ها می‌خواستند بر اساس فقه خودشان، حکم اعدام ژابوتینسکی را هم بدهند. آخر سر دعوی یهودیان بالا گرفت و بعد عوض شدن حکم‌های مختلف، ژابوتینسکی به زندان عکا برده شد و نهایت یک سال بیشتر در زندان نماند. در زندان کمدی الهی را به عبری ترجمه کرد و همچنین طبق گفته‌های خودش به طرح ایجاد نهاد و جنبشی برای تکمیل ایده دولت یهود، فکر می‌کرد. نهادی ایدئولوگ با رویکردی نظامی برای دفاع از کبیوتص‌ها. بعد از حبس یک ساله، ژابوتینسکی، تا بیرون آمد به عضویت هیئت مدیره کرن هاپسود (صندوق ملی یهودیان) درآمد و هم‌زمان در شورای رهبری سازمان صهیونیسم هم عضو شد. جایی که بهتر می‌توانست برای تأمین مالی ایده‌اش، سرمایه و ارتباط جذب کند.

دیوار آهنین

ژابوتینسکی، از عملکرد دولت نظامی آلتبی و گردان‌های عبری ناراضی بود.

